

حقوق متقابل در گفت‌وگوی کرامت‌محور با علمای ادیان بر پایه سیره رضوی

علیرضا ابراهیم

عضو هیئت علمی گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

alirezaebrahim90@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>نقض حقوق متقابل و کرامت انسانی در گفت‌وگوهای تاریخی میان متکلمان مسلمان با علمای دیگر ادیان سبب گردید تا آنان به تدریج هرگونه گفت‌وگوی دینی با مسلمانان را تحریم کنند. این تحقیق که با روش توصیفی - تحلیلی تألیف یافته، نشان می‌دهد که امام رضا <small>علیه السلام</small> از سنت ناپسند علمای مسلمان برکنار بوده، با گفت‌وگوهای ارزنده خویش، ضوابطی از حقوق متقابل را جلوه دادند که تأمین‌کننده کرامت انسانی افراد بود. مهم‌ترین مصادیق این امر در سیره رضوی را می‌توان چنین برشمرد: ایجاد امکان گفت‌وگو برای علما در بالاترین سطح جامعه، الزام همگان (از خلیفه تا مردمان عادی) به پاسخ‌گویی در برابر مخالفان، پذیرش شروط فرد مقابل در ابتدای گفت‌وگو، دعوت از افراد برای گفت‌وگو، پرهیز از جدل و غرض‌ورزی در گفت‌وگو، ایجاد فضایی آزاد برای گفت‌وگو با قرار دادن اهالی مناظره در ذمه امام، اعطای حق تقدم به علمای دیگر ادیان در هنگام مناظره، استفاده از زبان فرد مقابل برای گفت‌وگو، استناد به شواهد موجود و انکارناپذیر، احترام به جایگاه اجتماعی افراد و دوری از تقبیح و توهین، میهمان نمودن اهالی مناظره و هدیه دادن به ایشان، احترام به حجیت تواتر و اجماع پیروان ادیان، تأکید بر حجیت عقل به عنوان ابزار مشترک در مفاهمه، استناد به مباحث همسان میان اسلام و دیگر ادیان، پرهیز از گشودن زخم‌های تاریخی و طرح مباحث خصومت‌زا، ورود نکردن به مسائل شخصی افراد، به رخ نکشیدن ناآگاهی‌ها و ضعف‌های فرد مقابل، استناد نکردن به آنچه اهل</p>	<p>نوع مقاله علمی - ترویجی صفحه (۹۰ - ۱۱۴) دریافت: ۱۴۰۴/۷/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۸</p>

کتاب بدان باور ندارند، اعتماد به گفتار شاهدانی از دین مقابل، دفاع از باورهای درست یک دین (غیر از اسلام) در برابر دین دیگر، و وادار نکردن افراد مغلوب به پذیرش اسلام.

امام رضا علیه السلام، کرامت انسانی، حقوق انسانی، مناظرات اسلامی، سیره رضوی.

کلیدواژه‌ها

مقدمه

«گفت‌وگو» یکی از شاخصه‌های ارزنده نوع انسان است که به سبب ویژگی چندسویه آن، نظامی از حقوق و وظایف را طلب می‌کند. گرچه انسان دانش «منطق» را برای صیانت از این نظام ابداع کرده است، حقوق و وظایف گفت‌وگو به اعتباری، مسبوق بر فرایند گفت‌وگو هستند و پیش از آن آغاز می‌شوند. به نظر می‌رسد کرامت انسان، نخستین مؤلفه‌ای است که حق ارتباط با دیگری از آن استخراج گردیده و اقتضا می‌کند که او بتواند با «دیگری» گفت‌وگو کند؛ چه این دیگری در درون خود انسان باشد و چه در بیرون از وجود او قرار داشته باشد. گویا آدمی به اعتبار «کرامت انسانی» خویش حق دارد که با «دیگری» از طریق «گفت‌وگو» یک «ارتباط» را برقرار سازد؛ زیرا اصولاً بقای انسان به انواعی از «ارتباط» با «دیگری» بستگی دارد.

متأسفانه تاریخ مجادلات کلامی مسلمانان با علمای دیگر ادیان نشان می‌دهد که گفت‌وگوهای ایشان در مسیری درست به پیش نرفته و به‌ویژه به سبب رعایت نکردن حقوق متقابل، سبب گردیده تا کرامت انسانی افراد حاضر در مجالس پایمال شود.^۱ نتیجه پایانی این فرایند چنین بوده که علمای برجسته ادیان بزرگ که در قلمرو اسلامی ساکن بودند، پیروان خویش را از هرگونه گفت‌وگوی دینی با مسلمانان برحذر می‌داشتند (بنگرید

۱. نگارنده پیشینه‌ای از گفت‌وگوهای مذکور را در سلسله کتاب‌های مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای یهودی، مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای مسیحی، مناظرات امام علیه السلام با علمای زردشتی و مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای صابئی و مانوی ذکر کرده است. این آثار به عنایت حضرت و حمایت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی پدید آمده‌اند.

به: دینکرد سوم، ۱۳۸۱: ۶۵؛ ۶۹۰-۹۲، v. 5, Pp. 690-92. (Ben Sasson, 2007).

ائمه هدی علیهم السلام به لحاظ جایگاهی که در «ارتباط» میان حق تعالی و خلق دارند، الگوهای را عرضه داشته اند تا با پیگیری آن‌ها، حقوق افراد در فرایند ارتباط مبتنی بر گفت وگو تأمین شده، کرامت انسانی افراد استوار بماند. بر این پایه، امام رضا علیه السلام به نوعی خاص از ارتباط انسانی؛ یعنی گفت وگوهای علمی درباره آموزه‌های دینی ورود نمودند و به الگوسازی پرداختند. البته این نکته شایسته توجه است که امام رضا علیه السلام بنابر قاعده لطف الهی، نظامی از حقوق متقابل را در فرایند گفت وگو ارائه کردند.

آنچه مسائل مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد، تعیین مصادیق تاریخی از گفت وگوهای رضوی با علمای دیگر ادیان است که در آن روزگار می‌زیستند. از آن پس، تعریف شاخصه‌های رفتاری حضرت در فرایند گفت وگوهای بین‌الادیان است که برحسب شرایط گفت وگو رقم خورده، بدنه اصلی نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. در پایان نیز امکان الگوسازی از گفت وگوهای امام رضا علیه السلام برای عصر کنونی مد نظر است که در قالب جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از بحث حاضر بدان پرداخته خواهد شد.

پیشینه تحقیق

پژوهش در شیوه‌های گفت وگویی امام رضا علیه السلام، بحثی تازه نیست و پیش‌تر در آثار علمی بدان پرداخته شده است؛ برای نمونه: مقاله «اخلاق گفت وگو در قرآن و حدیث؛ با تأکید بر مناظره‌های امام رضا علیه السلام» از کاووس روحی بزندق، در نشریه مطالعات معرفتی (شماره ۷۴)، مقاله «تبیین شبکه مفهومی ارتباط؛ الگویی مبتنی بر مناظرات امام رضا علیه السلام» از بهزاد حسن نژاد کاشانی و مبینا بایسته، در نشریه امام رضا علیه السلام و علم روز، و مقاله «امام رضا علیه السلام و ترویج فرهنگ گفت وگو؛ راهبردی برای کاهش تنش اجتماعی» از حمیدرضا مطهری، در نشریه ره‌توشه، پرتوی بر این موضوع افکنده‌اند. مبحث کرامت انسانی از دیدگاه حضرت نیز تاکنون مغفول نبوده است و آثاری همچون: مقاله «کرامت انسان در سیره امام رضا علیه السلام» از محسن نورایی و حدیثه سلیمانی، در نشریه سراج منیر (شماره ۱۲) به ابعادی از این موضوع پرداخته‌اند. همچنین درباره کلیاتی از مسائل حقوقی از دیدگاه حضرت در

مقالاتی مانند: «بررسی جایگاه حقوق شهروندی از منظر امام رضا علیه السلام» از مجموعه مقالات «دومین کنفرانس بین‌المللی دین، معنویت و کیفیت زندگی» پژوهش انجام شده؛ اما به نظر می‌رسد که تا به امروز مناظرات امام رضا با علمای ادیان، هم‌زمان از سه زاویه «گفت‌وگو»، «حقوق» و «کرامت» واکاوی نشده است و از این رو امیدواریم مقاله حاضر پنجره‌ای نور را به بیانات رضوی گشوده باشد.

تاریخچه گفت‌وگو با علمای ادیان در سیره رضوی

قدیم‌ترین اسناد موجود از گفت‌وگوهای امام رضا علیه السلام با علمای ادیان به روزگار شیخ صدوق (سده ۴ق) بازمی‌گردد؛ اما به نظر می‌رسد که مطالب هریک از مناظرات را ابتدا اصحاب و شاگردان حضرت ثبت و ضبط کردند و پس از آن، در قالب تک‌نگاری‌هایی همچون: مناظرات علی بن موسی الرضا، اثر مورخ شیعه، جلودی بصری (م ۳۳۲ق)، ذکر مجالس الرضا مع أهل الأديان، اثر حسن بن محمد بن سهل نوفلی و مجالس الرضا مع أهل الأديان، اثر ابو محمد حسین بن محمد بن فضل (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۷، ۵۶ و ۲۴۰) گردآوری و تدوین شد. متأسفانه هیچ‌یک از آثار یادشده به دست ما نرسیده و از این رو مبنای محدثان دوره‌های بعدی در مطالعه مناظرات، یک سر بر نوشتار شیخ صدوق و علمای شیعه پس از وی استوار است. از گزارش محدثان مذکور چنین برمی‌آید که امام رضا علیه السلام در مدت عمر شریف خویش، چندین بار در مجالس مجادلات و مباحثات دینی حضور یافتند و تقریباً به نمایندگان تمامی ادیان ساکن در قلمرو اسلامی فرصت دادند تا پرسش‌های خود را با ایشان در میان بگذارند. فهرست اجمالی این دیدارها به شرح ذیل است:

۱. مناظره با رأس الجالوت یهودی (احتمالاً در بغداد)

نظام اداری ساسانیان و (پس از آن)، مسلمانان برای خطاب قرار دادن رئیس جامعه یهودیان ساکن در قلمرو خویش از عنوان «رأس الجالوت» استفاده می‌کردند. مرسوم بود که در هر دوره، بزرگان یهود فردی را به این منظور از میان خویش برمی‌گزیدند تا ضمن رهبری جامعه بزرگ یهودیان خاورمیانه، رابط میان تشکیلات دربار یا خلافت، با یهودیان باشد. در

سال‌های پایانی از عمر مبارک امام رضا علیه السلام فردی موسوم به «اسحاق اسکوی بن موسی» (Isaac Iskoi b. Moses)، معروف به اسحاق اسکوی دوم، زعامت یهودیان را به عنوان رأس الجالوت عهده‌دار بوده و به احتمال فراوان، او همان فردی است که در مجلس مأمون با حضرت مناظره کرده است. گفتنی است که دوران تقریبی منصب‌داری «اسحاق» را حد فاصل ۸۱۰ تا ۸۲۰ م ذکر کرده‌اند که با دوران پایانی از زندگانی امام رضا علیه السلام مطابقت دارد.^۱

مضمون این مناظره در متون روایی شیعه به «حدیث رأس الجالوت» شهرت دارد و مبتنی بر پرسش و پاسخ رأس الجالوت یهودی از امام رضا علیه السلام در باب آیات آغازین سوره الرحمن در قرآن است. محل این مناظره دقیقاً مشخص نیست؛ اما به واسطه برخی روایات شیعی که قائل به حضور کوتاه‌مدت امام در بغداد بوده‌اند (عرفان‌منش، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۱)، دور از نظر نیست که دیدار ایشان با رأس الجالوت در همین شهر برگزار شده باشد که نزدیک مقر رأس الجالوت بوده است.

۲. مناظره با رأس الجالوت و جاثلیق (احتمالاً) در بصره

جاثلیق هم عنوان رئیس کل جامعه مسیحیانی بود که از شام تا هند و از مصر تا خراسان در قلمرو اسلامی می‌زیستند. مقام جاثلیق نیز با رأی‌گیری بزرگان مسیحی انتخاب می‌شد و مرکز استقرار او به مانند رأس الجالوت در پایتخت قرار داشت تا همواره نزدیک دربار باشد (Vine, 1937: p.104). محل مقامات جاثلیق در بغداد با نام دیر الجاثلیق شناخته می‌شد که بقایای آن تا به امروز نیز پابرجاست (Duri, 1991: v.2, p.197). بنابر فهرست تاریخی که از زنجیره جاثلیق‌های دوران عباسی برجای مانده^۲، جاثلیق تیمائوس timāaos یا تیموتی اول، Thimoty I (ح ۷۲۷-۸۲۳ م) معاصر با امام رضا علیه السلام بوده و از همین رو، تمامی احادیث ناظر بر ملاقات یا مناظره جاثلیق با حضرت را

۱. برای مشاهده فهرست تاریخی مقامات رأس الجالوت بنگرید به:

<http://www.peerage.org/genealogy/exilarch.htm>

2. Gorgias Encyclopedic Dictionary of the Syriac Heritage: Electronic Edition, "List of Patriarchs."

باید به او نسبت داد.

در کتاب‌های الثاقب فی المناقب و الخرائج و الجرائح داستانی از ملاقات امام رضا علیه السلام با جاثلیق و رأس الجالوت آمده که گویا در شهر بصره روی داده است. از آنجا که رأس الجالوت حضرت را با عنوان «ابا محمد» خطاب نموده، به نظر می‌رسد که این ملاقات بعد از تولد جواد الائمه علیه السلام در سال ۱۹۵ ق؛ یعنی حدوداً پنج سال قبل از عزیمت امام رضا علیه السلام به خراسان اتفاق افتاده باشد. همچنین باید توجه داشت که حضرت بعد از مناظره روانه مدینه شدند و این حضور ایشان در بصره، با گذر احتمالی و دوباره حضرت از بصره در راه خراسان (کمپانی، ۱۳۸۶: ۸۷) ارتباطی ندارد. این مناظره به خواست خود حضرت و با هدف ارائه براهین امامت برای منکران صورت پذیرفت. بنابر نظر امام، هم رأس الجالوت یهودی و هم جاثلیق مسیحی دعوت شدند تا شاهدهی بر اظهار نشانه‌های امامت از سوی حضرت باشند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹: ۱۸۷).

۳. مجادله با راهب مسیحی هندی (احتمالاً) در بصره

در حاشیه مجلس یادشده، امام رضا علیه السلام با یک راهب مسیحی اهل سِند (=هند) هم دیدار داشتند و به زبان خود وی با او گفت‌وگو نمودند. محور گفت‌وگوهای حضرت نیز گویا اموری اعتقادی بوده که در نهایت با اسلام آوردن فرد مسیحی به پایان رسید (راوندی، بی‌تا: ۳۴۸/۱).

۴. مناظره با جاثلیق در کوفه

این مناظره بنابر سفارش امام رضا علیه السلام به محمد بن فضل هاشمی و با گذشت زمانی اندک از مناظره بصره روی داده است. به جز متکلمان فِرق اسلامی، جاثلیق مسیحی نیز به این مجلس دعوت شد تا با حضرت گفت‌وگو کند. این مجلس بر سر نشانه‌های نبوت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در گفتار و رفتار حضرت عیسی علیه السلام برگزار شد و همچنین امام رضا علیه السلام برخی از اوصاف امامت خویش را تبیین فرمودند (همان، ۳۵۱/۱). زمان این مناظره هم چندان روشن نیست، ولی احتمالاً به دورانی کوتاه بعد از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام باز می‌گردد.

۵. دو گفت‌وگوی جداگانه با ابوقره (یا ابن قره) مسیحی

برخلاف مناظرات بصره و کوفه که در قالبی چندجانبه و با حضور بالاترین مقامات مسیحی صورت پذیرفت، گویا حضرت با علمای سطوح پایین‌تر در جامعه مسیحی نیز گفت‌وگو می‌فرمودند؛ از آن جمله، می‌توان به مناظره حضرت با ابوقره اشاره کرد که گزارش‌هایی مختصر از آن، به دست ما رسیده است. جست‌وجو در منابع روایی و تاریخی متقدم برای یافتن ماهیت ابوقره، تنها به گزارش ابن ندیم از آثار عیسی بن صبیح معتزلی (معروف به مردار (د ۸۲۰ م)) ختم می‌شود که از معاصران امام رضا علیه السلام بوده و کتابی را به نام *الردّ علی ابی قره النصرانی* در ردّ تعالیم وی تألیف کرد (مجادله ابی قره مع المتکلمین المسلمین فی مجلس الخلیفه المأمون، ۲۰۰۷: ۷). متأسفانه این اثر به دست ما نرسیده؛ اما از عنوان کتاب استنباط می‌شود که فردی مسیحی به نام ابوقره در نیمه سده ۹ م آن‌قدر میان متکلمان مسلمان شناخته شده بوده و نظریات وی را چنان خطرناک تشخیص داده‌اند که علیه او ردیه بنویسند. گویا دو فرد مشهور با این عنوان در زمان حضرت می‌زیسته‌اند؛ نخست مار شمعون ابوقره که اسقفی نسطوری بوده و نوشتاری قابل توجه از او در دست نداریم. دیگری، تئودور ابوقره که اسقفی ملکانی بوده (جفری، ۲۵۳۷: ۱۰۸۷/۸) و بعضی علمای مسلمان وی را می‌شناختند.^۲ درون‌مایه گفت‌وگوهای حضرت با ابوقره از دو بخش تشکیل شده است که عبارت‌اند از:

الف. مقایسه منطقی میان براهین اسلامی و مسیحی در باب ماهیت حضرت عیسی علیه السلام؛

ب. تبیین نسبت میان جایگاه الله باری تعالی و عیسی علیه السلام (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۳/۴۶۲).

۱. بعضی منابع مسیحی باز هم میان تئودور ادسایی و تئودور ابوقره تفاوت قائل شده‌اند. بنگرید به: Swanson, 2003, p. 80.
۲. تئودور ابوقره نخستین نویسنده تاریخ مسیحیت شرقی بود که آثاری را به زبان عربی تألیف کرد (گریفیت، ۱۳۸۷: ۷۵؛ همچنین برای ملاحظه فهرستی از ۲۴ رساله عربی ابوقره، بنگرید به: خلیل الیسوعی، ۱۹۸۳: ۸-۱۴۳). از این رو، علمای مسلمان به راحتی با نوشتار و شخصیت وی آشنا شدند و چه بسا همین امر، دست‌مایه ردیه‌ای باشد که عیسی بن صبیح علیه وی نگاشته است.

۶. مناظره با ثنوی

در میان دانشمندان زردشتی مقارن حضرت، برخی به دوگانگی آفریننده جهان باور داشتند و بعضی دیگر، آفریننده را یگانه می‌دانستند. امام رضا علیه السلام با یکی از علمای گروه اول (ثنویه) گفت‌وگو فرموده، براهین وی بر دوگانگی آفریننده جهان را ابطال نمودند. منبع اولیه این مناظره هم کتاب التوحید از شیخ صدوق است و او سلسله سند روایت را به فضل بن شاذان می‌رساند که از رجال معتبر به شمار می‌رود (نجاشی، ۱۴۱۸/۱: ۳۳۴). متن روایت نشان‌دهنده مکان و زمان این مناظره نیست؛ اما بر پایه عنوان فرد ثنوی چه بسا بتوان انتظار داشت که گفت‌وگوی حضرت در عراق یا خراسان صورت گرفته است و به دوران پایانی زندگانی ایشان اختصاص دارد (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۷۰).

۷. پرسش و پاسخ با زندیق (مانوی)

واژه پهلوی زندیگ (= پیرو زند) (تبریزی، ۱۳۴۲: ۱۰۳۹) در منابع ایران ساسانی برای اشاره به پیروان مانی (درگذشته حدود ۲۲۷م) به کار رفته و از همین طریق به ادبیات اسلامی (معرّب: زندیق؛ جمع: زندایق) راه یافته است. زندایق جزو اهل کتاب به شمار نمی‌رفتند؛ اما تا دوران امام رضا علیه السلام هم در جای جای قلمرو اسلامی فعال بودند. طبرسی در کتاب الاحتجاج، پرسش و پاسخ کوتاه حضرت با فردی ناشناس از زنداقه را ذکر کرده که بر محور ماهیت وجود خداوند و صفات حق تعالی استوار است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۷۱-۱۷۲).

۸. مناظره با جاثلیق مسیحی، رأس الجالوت یهودی، هیربد زردشتی و عمران صابی در شهر مرو

مأمون خلیفه عباسی در سال ۲۰۰ ق و هنگامی که حدود دو سال از خلافتش می‌گذشت، دستور داد امام رضا علیه السلام را از مدینه به مرکز خلافت در مرو بیاورند. حضور کوتاه مدت حضرت در مرو به رویدادهایی قابل توجه انجامید که از آن جمله می‌توان به مناظره با رؤسای ادیان اشاره کرد. این مناظره به اعتبار تنوع و حجم مطالب، چه بسا مفصل‌ترین مناظره در تاریخ امامت است. محور اصلی بحث‌های حضرت با جاثلیق

مسیحی، رأس الجالوت یهودی و هیرید زردشتی بیشتر بر اثبات رسالت پیامبر خدا ﷺ بود؛ اما هنگام صحبت با عمران صابی، خط سیر مباحث تغییر کرد و به سوی مباحث اصیل فلسفی، همچون ماهیت خداوند، قابلیت‌های ادراک انسانی و نسبت خالق و مخلوق سوق یافت. منبع اصلی این روایت هم شیخ صدوق است که به ویژه عبارات طولانی آن را در کتاب‌های التوحید و عیون اخبار الرضا ﷺ نقل کرده است.

شاخصه‌های رعایت کرامت و حقوق انسانی در گفت‌وگوهای رضوی

مجموعه مناظرات امام رضا ﷺ با پیروان ادیان را می‌توان از منظر علوم و عوالم مختلف بررسی کرد. نظر به تنوع افرادی که از ادیان و مذاهب گوناگون در این مجالس حضور می‌یافتند، پنجره‌ای نیز با عنوان «کرامت و حقوق انسانی» به این گفت‌وگوها قابل گشودن است. از این رو آنچه در ذیل می‌آید، مؤلفه‌هایی است که از این رهیافت حاصل شده است:

۱. ایجاد امکان گفت‌وگو برای علما در بالاترین سطح جامعه

امام رضا ﷺ خود به عنوان بالاترین مرجع شیعیان در مجالس گفت‌وگو با علمای ادیان حاضر بودند و در برابر، شرایطی را فراهم آوردند که بالاترین مراجع و رؤسای ادیان در آن روزگار، به مجلس مناظرات دعوت شوند؛ برای نمونه، بعد از شهادت امام موسی الکاظم ﷺ، یکی از شیعیان حضرت، به نام محمد بن فضل هاشمی، در مدینه از امام رضا ﷺ درخواست کرد که براهین امامت خویش را آشکار کنند. حضرت به او فرمودند که جمعی را گرد هم آورد تا در آن جلسه به احتجاج پردازند. بنابر خواسته امام، هم رأس الجالوت یهودی و هم جاثلیق مسیحی دعوت شدند تا شاهدی بر اظهار نشانه‌های امامت از سوی حضرت باشند. در آن مجلس گفت‌وگوهایی میان حضرت با ایشان رد و بدل شد که برای تاریخ گفت‌وگوهای اسلامی - یهودی - مسیحی بسیار ارزشمند است (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹: ۱۸۷).

مجالسی که با حضور برترین علمای مسلمان و بالاترین مقامات ادیان شکل گرفت، به اصل اخلاقی «برابری قوا» در مناظره نزدیک بود و ضمن حفظ کیفیت مباحث، نتایجی را به

بار می‌آورد که انکارناپذیر بود. به دیگر سخن، اگر علمای پایین مرتبه ادیان در این مجالس حضور می‌یافتند، سطح مباحث تنزل می‌یافت و همیشه این انتظار وجود داشت که پاسخ‌هایی ناگفته برجای ماند. از این رو نتایج چنین مباحثاتی چندان قابل اتکا نبود. دیگر اینکه اگر بنا بود گفت‌وگویی میان علمای برجسته مسلمان با اندیشمندان ادیان شکل بگیرد، پیروان ادیان ساکن در قلمرو اسلامی از این حق برخوردار بودند که برترین عالم دینی خود را به مجالس گفت‌وگو اعزام کنند؛ زیرا علمای پایین مرتبه چه بسا توان دفاع از حقوق خود را نداشتند و نتایج حاصل از گفت‌وگوها به ضرر جامعه ایشان بود. از این رو حضرت با دعوت از برترین شخصیت‌ها، راه را بر تضييع حقوق پیروان ادیان بستند. همچنین اعتبار گفت‌وگوهای بین‌الادیان به تراز افرادی بستگی دارد که در آن شرکت کرده‌اند. آشکار است که اگر امروزه مناظرات حضرت برای ما حجیت یافته است، به سبب اعتبار مقام «حجیت» ایشان است که به هر مجلسی اعتبار و حجیت می‌دهد. توجه به این نکته نیز بایسته است که میان مقولات «کرامت»، «حق» و «حجیت»، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و چه بسا آنچه حجیت داشته باشد، کرامت‌مند است و «حق» دارد.

۲. الزام همگان (از خلیفه تا مردمان عادی) به پاسخ‌گویی در برابر مخالفان

امام رضا علیه السلام در مجلس مناظره مرو تأکید کردند که حاضران بدون ترس از عقوبت، انتقادات خود را بیان دارند (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۳۱). آشکار است بیشتر ایراداتی که اهل مجلس بر اسلام و مسلمانان وارد می‌ساختند، به یک اعتبار، بر خلیفه مسلمانان وارد بود. از این نظر، حضرت در واقع به مأمون نیز گوشزد می‌کردند که مجادله سالم، مجادله‌ای است تهی از ترس عقوبت یا ناامید از پاسخ. به این اعتبار، حضرت با قید این جمله، شاخص برگزاری مجالس گفت‌وگو را به گونه‌ای تعریف کردند که شأن خلیفه در تراز علمای حاضر قرار گیرد و دیگران با او به مثابه یک عالم مسلمان گفت‌وگو کنند نه خلیفه مسلمانان. البته خود مأمون نیز به اقتضا این را پذیرفت و در موضعی به گفت‌وگوی حضرت با عمران صابی وارد شد تا بخشی از مناظره باشد (همو، ۱۳۷۸: ۴۲۲/۲). ورود مأمون به گردونه مناظرات را باید از این منظر نگریست که او دانشمندترین خلیفه تاریخ عباسیان

بود. بنابر مستندات تاریخی، مأمون حافظ قرآن کریم، شاعر، منجم، فقیه، متکلم و آشنا با موسیقی، کیمیا، ریاضی و... بود (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۱/۴۴۰ و ۳۵۹-۳۶۰) و به طور قطع، بخشی از این دانش وسیع را در دوران هم‌نشینی با امام رضا علیه السلام کسب نمود.

۳. پذیرش شروط فرد مقابل در ابتدای گفت‌وگو

یکی دیگر از رویکردهای استدلالی حضرت، پذیرش پیش شرط‌های جاثلیق در آغاز مناظره بود. گرچه تیموتی به عنوان کارگزار و میهمان مأمون، در موقعیت تعیین پیش شرط قرار نداشت، امام رضا علیه السلام خود پیشنهاد کردند و متعهد شدند که جز به آنچه جاثلیق قبول دارد، استدلال نفرمایند و در عمل نیز دقیقاً چنین کردند؛ برای نمونه، حضرت به انجیلی ارجاع دادند که تیموتی بدان ایمان داشت. از آنجا که حضرت به زبان جاثلیق تیموتی (=زبان سریانی) با او گفت‌وگو کردند، دور از نظر نیست که امام رضا علیه السلام به ترجمه سریانی کتاب مقدس استناد کرده باشند؛ به ویژه یک ترجمه مستقیم از آن متن در سال‌های ۶۱۴-۶۱۶م صورت گرفت که به سیروهگزاپلا (syro-hexapla) معروف شد. چنان‌که از نامه‌های تیموتی بر می‌آید، او به این ترجمه علاقه داشت و تمایل خود را برای نسخه برداری از آن اعلام کرده بود (بروک، ۱۳۹۹: ۲۹:۱). از این رو، چه بسا حضرت مستندات خود را به سیروهگزاپلا ارجاع داده باشند که کاملاً مورد وثوق جاثلیق بوده است.

رأس الجالوت یهودی هم در آغاز گفت‌وگو با حضرت شرط کرد که جوابی را نمی‌پذیرد جز آنکه مستند به منابعی خاص (یعنی از تورات و...) باشد^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۷). حضرت نیز این امر را قبول کردند و تا پایان مناظره، هیچ دلیل نقلی را خارج از این پیش شرط اقامه ننمودند. این در حالی بود که حضرت به‌راحتی می‌توانستند یک مناظره بدون پیش شرط را مبنا قرار دهند.

۱. قَالَ: بَلْ أَسْأَلُكَ وَ لَسْتُ أَقْبَلُ مِنْكَ حُجَّةً إِلَّا مِنَ التَّوْرَةِ أَوْ مِنَ الْإِنْجِيلِ أَوْ مِنْ زَبُورِ دَاوُدَ أَوْ مِمَّا فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى. فَقَالَ الرَّضَا علیه السلام: «لَا تَقْبَلُ مِنِّي حُجَّةً إِلَّا بِمَا تَنْطِقُ بِهِ التَّوْرَةُ عَلَى لِسَانِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ الْإِنْجِيلِ عَلَى لِسَانِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ وَ الزَّبُورُ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ».

۴. دعوت از افراد برای گفت‌وگو

برداشت‌های نادرست مسلمانان از باورهای پیروان ادیان، سرچشمه بسیاری از کج‌رفتاری‌ها با اهل ذمه بود و بهانه‌ای بود تا حقوق و کرامت آنان پایمال شود. در برابر، علمای ادیانی که در قلمرو اسلامی ساکن بودند، همواره به دنبال فرصت‌هایی بودند که باورهای خود را به درستی بیان کنند و مسلمانان را از برداشت‌های نادرست بازدارند. البته چنین فرصت‌هایی به ندرت فراهم می‌شد و چه بسا با مخاطراتی نیز همراه بود؛ اما امام رضا علیه السلام از طریق یکی از شیعیان خویش، شماری از رؤسای ادیان و مذاهب را محترمانه دعوت فرمودند تا در مجلسی در بصره حاضر شوند و با حضرت به گفت‌وگو بنشینند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹: ۱۸۷).

۵. پرهیز از جدل و غرض‌ورزی در گفت‌وگو

سخنانی که امام رضا علیه السلام پیش از عزیمت به مجلس مرو با یکی از شیعیان خویش در میان گذاشتند، حاکی از آن است که مأمون جلسه را با غرض‌ورزی تشکیل داده است؛ اما بر خلاف او، حضرت روش و مقصود خود را در ابتدای جلسات صادقانه بیان داشتند؛ برای نمونه، یک ویژگی برجسته در رویکرد استدلالی امام رضا علیه السلام، پرهیز از جدل است. چنان‌که می‌دانیم، جدل به این معناست که باورهای نادرست طرف مقابل را به عنوان پیش‌فرض قرار دهند و علیه خود او از آن‌ها استفاده کنند. به دیگر سخن، حضرت بر مطلبی که خود بدان اعتقاد نداشتند، هرگز استدلال نکردند؛ برای نمونه، امام بارها میان عیسایی که مورد قبول جاثلیق بود و عیسایی که مورد قبول خود ایشان بود، فرق نهادند و تأکید فرمودند: به عیسایی باور دارند که بر نبوت محمد صلی الله علیه و آله بشارت داده باشد و نه عیسایی که جاثلیق بدو اعتقاد دارد (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۰). این رویکرد یادآور نوعی منطق پدیدارشناسانه است که بر قرائت‌های غیررسمی یا (به ظاهر) غیرتاریخی از امور دینی صحنه می‌گذارد و برای آن اعتبار قائل است.

۶. ایجاد فضایی آزاد برای گفت‌وگو با قرار دادن اهالی مناظره در ذمه امام

یکی از عوارض هر مناظره‌ای، وادار کردن فرد مغلوب به پذیرش چهارچوب فرد غالب است؛ اما حضرت در آغاز مناظره‌ای که در بصره با رأس الجالوت انجام دادند، ضمانت کردند که در صورت مجاب شدن عالم یهودی، او به اصطلاح در «ذمه الله؛ پناه و حمایت خداوند» باشد و به پذیرش اسلام وادار نگردد (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹: ۱۹۲). این امر قطعاً فضای مناظره را امن‌تر ساخت و دایره اظهارنظر را برای رأس الجالوت گسترش داد.

۷. اعطای حق تقدم به علمای دیگر ادیان در هنگام مجادله

روند مناظرات علمی معمولاً چنین است که اگر فردی با پرسش یا مدعای خود، جلسه را آغاز کند، مسیر گفت‌وگو را تعیین می‌کند و بحث را به سوی نقاط قوت خویش و نقاط ضعف طرف مقابل به پیش می‌برد؛ اما امام رضا علیه السلام به رغم اینکه با عنوان «پسرعموی مأمون» در جلسه مناظره مرو حاضر شدند، شروع بحث را به رأس الجالوت یهودی واگذار نموده، به او فرمودند: «تو شروع به پرسیدن می‌کنی یا من بپرسم؟»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۰). عالم یهودی هم پذیرفت و با پرسش خود، گفت‌وگو را آغاز کرد؛ این امر نشان‌دهنده ادب علمی حضرت است.

۸. استفاده از زبان فرد مقابل برای گفت‌وگو

زبان عربی زبان رسمی خلافت اسلامی بود و تمامی مجالس رسمی گفت‌وگو نیز با همین زبان برگزار می‌شد. از این رو علمای ادیان مجبور بودند که استدلال‌ها و مستندات خود را در قالب زبان عربی عرضه بدارند. تحقیقات نشان داده که تا زمان امام رضا علیه السلام مسیحیانی بسیار بودند که عربی را برای مباحثه می‌آموختند (Griffith, 2011: p.3). البته در این سو، نشانی از علمای مسلمان در دست نیست که سریانی یا یونانی را به منظور مناظره بیاموزند؛ اما مجالس حضرت از این کاستی برکنار است؛ زیرا ایشان بارها با رؤسا و

۱. فَالْتَمَّتِ الرِّضَا علیه السلام إِلَى رَأْسِ الْجَالُوتِ فَقَالَ لَهُ: «تَسْأَلُنِي أَوْ أَسْأَلُكَ؟».

علمای ادیان به زبان آن‌ها سخن گفتند؛ از هندی و عبری گرفته تا فارسی و سریانی (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۹). آشکار است که این شیوه به جز اعتباربخشی علمی به گفت‌وگوها، فضایی از اطمینان و درک متقابل را ایجاد می‌کرد که مجالس عربی فاقد آن بودند.

امام رضا علیه السلام در همین راستا نه تنها با اهالی مناظرات همراهی می‌کردند، بلکه به شنوندگان حاضر در مجلس نیز التفات داشتند؛ زیرا بیشتر آنان به زبان گفت‌وگوهای حضرت واقف نبودند؛ برای نمونه، ایشان بعد از یکی از مناظرات خود با یک بانوی مسیحی که در حضور جاثلیق و احتمالاً به زبان سریانی صورت پذیرفت، دستور دادند که شخص جاثلیق همه مطالب مطرح شده از سوی آن بانوی مسیحی را برای جماعت حاضر ترجمه کند تا آنان نیز به درون مایه و نتیجه گفت‌وگو واقف شوند (راوندی، بی‌تا: ۳۴۷/۱).

۹. استناد به شواهد موجود و انکارناپذیر

مقوله «تحریف کلام الهی به وسیله ربانیون یهودی» که در قرآن آمده، این تصور نادرست را در ذهن برخی مسلمانان ایجاد نمود که کلیت کتاب مقدس عبری از اعتبار ساقط است.^۱ امام رضا علیه السلام در مواردی مکرر به بخش‌هایی از همین کتاب استناد کردند تا ضمن تأیید اخبار بعضی انبیاء بنی اسرائیل علیهم السلام، نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به اثبات رسانند.^۲ بدین سان می‌توان استنباط کرد که کتاب مقدس عبری برای امام رضا علیه السلام دارای اعتبار نسبی بوده است و از این رو حضرت، استناد به آن را به عنوان پیش فرض ذکر کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۲۱/۲). بایسته توجه است که از دیدگاه تاریخی، نپذیرفتن اعتبار کتاب مقدس عبری (حتی به صورت نسبی) از سوی مسلمانان، بزرگ‌ترین چالش تاریخی گفت‌وگوهای یهودی - اسلامی بوده است.

۱. برای گونه‌شناسی تحریف، بنگرید به: ابراهیم، علیرضا، «تحریف عهدین از دیدگاه قرآن»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، نشر دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ج ۵.

۲. «هَلْ تَجِدُ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا نَبَأَ مُحَمَّدٍ...»؛ ابن بابویه، التوحید، ص ۴۲۶.

۱۰. میهمان نمودن اهالی مناظره و هدیه دادن به ایشان

شواهد روایی حاکی از آن است که بعضی از مجالس گفت‌وگوی امام رضا علیه السلام با علمای ادیان، به میزبانی خود حضرت برگزار شده و به ویژه برای کسانی که مایل بودند ایشان را به طور خصوصی ملاقات کنند، شرایط آماده بوده است. با این وصف، حضرت به اهالی مناظره همچون میهمان نگاه می‌کردند؛ برای مثال، شیخ صدوق در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام* با سلسله اسناد از صفوان بن یحیی بجلی نقل نموده است که یکی از یاران جاثلیق مسیحی، به نام ابوقره، از من درخواست کرد که او را نزد امام رضا علیه السلام ببرم. من هم در این باره اجازه خواستم و حضرت فرمود که او را نزد من بیاور. سپس میان ایشان گفت‌وگویی سرگرفت و ابوقره پاسخ‌هایی را از حضرت دریافت کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/ باب ۵۶). مورد دیگر، عمران صابی است که پس از مناظره با حضرت در شهر مرو، دوباره توفیق یافت تا به دعوت امام رضا علیه السلام نزد ایشان حاضر شود و هدیه‌ای را از جانب حضرت دریافت کند (همان، ۴۲۵).

۱۱. احترام به جایگاه اجتماعی افراد و دوری از تقبیح و توهین

امام رضا علیه السلام به عنوان برترین شخصیت اجتماعی، احترام قابل توجهی را برای علمای ادیان دیگر لحاظ می‌فرمودند؛ برای نمونه، نظر به توانایی‌ها و اعتباری که در بخش‌های پیشین برای رأس‌الجالوت برشمردیم، حضرت به وی اعتماد کردند و او را به عنوان حکم و داورِ مناظره خودشان با جاثلیق مسیحی قرار دادند. به عبارت بهتر، امام رضا علیه السلام صلاحیت و جایگاه علمی رأس‌الجالوت را بدین وسیله احترام نهادند. البته رأس‌الجالوت هم با آگاهی و انصاف، به نفع حضرت گواهی داد (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۵).

شایان ذکر است سندی تاریخی با عنوان «عهدنامه عمر» وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه پس از رسول الله صلی الله علیه و آله، بعضی حکمرانان قلمرو اسلامی با اهل ذمه به مثابه بردگان و شهروندان درجه چندم رفتار می‌کردند (Sherbok, 2003, p. 140). اوضاع اهل ذمه در روزگار امام رضا علیه السلام نیز کم و بیش چنین بود؛ اما حضرت با ساختارشکنی از این نظام غیرانسانی، با اهل ذمه رفتاری احترام‌آمیز داشتند. برای نمونه، اگر از منظر گفتمانی به

مجالس حضرت نگاه کنیم، ایشان هیچ‌گاه با الفاظ تحقیرآمیز و توهین‌آمیز با اهالی مناظرات برخورد نکردند؛ زیرا جای هرگونه لفظی که بر این امر دلالت داشته باشد، در گفتار حضرت خالی است.

۱۲. احترام به حجیت تواتر و اجماع پیروان ادیان

بیشتر آموزه‌های ادیان از پشتوانه علمی (=باستان‌شناختی) برخوردار نیستند و دین‌داران معمولاً مبنای باورها و آیین‌های خود را بر تواتر اخباری قرار داده‌اند که در این باره از پیشینیان به ایشان رسیده است. به دیگر سخن، اعتماد به گفتار گذشتگان، دست‌مایه اصلی برای حجیت آموزه‌های دینی بوده است. از این رو هرچه پیشینیان از یک چیز بیشتر سخن گفته باشند (=تواتر)، پذیرشی بیشتر نزد آیندگان از آن چیز پدید می‌آید و تولید نوعی «اجماع» می‌کند که دارای «حجیت» است. نکته قابل ملاحظه در گفت‌وگوهای امام رضا علیه السلام این است که حضرت به مصادیقی از تواتر و اجماع میان اهل کتاب احترام نهاده‌اند؛ برای نمونه، بعد از اینکه هیربد بزرگ در مناظره مرو این عبارت را گفت: «وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَ لَكِنَّ الْأَخْبَارَ مِنْ أَسْلَافِنَا وَرَدَّتْ عَلَيْنَا؛ خود ما او [=زردشت] را به چشم ندیدیم، ولی گزاره‌هایی [=اخباری] از پیشینیان ما به ما رسیده» و این جمله را در اثبات وجود تاریخی «زردشت» به کار گرفت، حضرت نه تنها متعرض او نشد، بلکه عبارتی را بیان فرمود که بر این اجماع صحه نهاد (بنگرید به: ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۶).

۱۳. حجیت عقل به عنوان ابزار مشترک در مفاهمه

فلاسفه از دیرباز منطقی را به عنوان وجه تمایز حیوانیت و انسانیت قرار داده و التفات به آن را تأمین‌کننده حقوق و کرامت انسان‌ها دانسته‌اند. امام رضا علیه السلام برای رسیدن به یک گفتمان مشترک در مناظره، به‌ویژه بر عنصر عقلانیت تأکید داشتند. نوع استدلال‌های حضرت از منطقی خاص پیروی می‌کند که منطقی ارسطویی تا اندازه‌ای با آن مطابقت دارد؛ برای نمونه، الگوی گفت‌وگوی امام رضا علیه السلام با هیربد بزرگ را می‌توان این‌گونه عرضه نمود:

مقدمه اول: هرکس اخبار متواتر پیشینیان درباره او وارد شود، پس او به لحاظ تاریخی وجود داشته است.

مقدمه دوم: اخبار متواتر تاریخی نسبت به وجود تاریخی موسی عَلَيْهِ السَّلَام، عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شده است.

نتیجه اول: موسی عَلَيْهِ السَّلَام، عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از نظر تاریخی وجود داشته‌اند.

مقدمه سوم: اگر کسی معجزاتی آورد که فردی پیش از او نیاورده بود، و حلال کرد آنچه پیش از وی حلال نشده بود، او پیامبر خداست.

مقدمه چهارم: موسی عَلَيْهِ السَّلَام، عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معجزاتی آوردند که فردی پیش از آن‌ها نیاورده بود و حلال کردند آنچه پیش از آن‌ها حلال نشده بود.

نتیجه دوم: موسی، عیسی و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همگی پیامبران خدا هستند.

مقدمه پنجم: هیربید به زردشت به عنوان پیامبری الهی ایمان آورده است.

مقدمه ششم: ایمان به همه پیامبران الهی شرعاً و عقلاً لازم است (مفروض).

نتیجه سوم: هیربید باید به نبوت موسی، عیسی و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان آورد.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، این منطق در نهایت بدانجا رسید که هیربید مجبور شود تا به رسالت پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعتراف کند (بنگرید به: همان‌جا).

۱۴. استناد به مباحث همسان میان اسلام و دیگر ادیان

یکی از رهیافت‌های قرآن برای گفت‌وگوی ادیان، محور قرار دادن مضامین مساوی و مشترک است، چنان‌که می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...﴾ (آل عمران/۶۴). امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در راستای تحقق این امر، از برخی دست‌مایه‌های همسان استفاده فرمودند؛ برای مثال، هنگام مناظره با رأس الجالوت در شهر مرو، حضرت موضوع زنده شدن مردگان در داستان منسوب به عذیر را ذکر کردند که شبیه آن در متن میدراش هگادول یهودی وجود دارد و یا بحث به هم پیوستن اجزای پراکنده مردگان که در رساله حزقیال عَلَيْهِ السَّلَام یا داستان ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بدان اشاره شده است (Garsiel, 2011, p. 53-4).

۱۵. پرهیز از گشودن زخم‌های تاریخی و طرح مباحث خصومت‌زا

منحنی روابط مسلمانان و پیروان ادیان دارای افت و خیزهایی فراوان بوده و مجموعه‌ای از جنگ و ستیزها یا صلح و دوستی را دربر داشته است. از شایعات ناراستی همچون کشتار چندین هزار یهودی به دست خود امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ خیبر گرفته تا اخبار درست از به رسمیت شناخته شدن تشکیلات گائونی در میان یهودیان عراق به وسیله حضرت (Neusner, 1968: v. 5, p. 133)، از افسانه‌های تاریخی که عامه مسلمانان از زردشتیان در ذهن می‌پروردند تا مستندات آشکار از پیشتازی ایرانیان در ساختار اداری عباسیان (اشپولر، بی تا: ۴۶/۲)، از خراج و جزیه کمرشکنی که از کشاورزان مسیحی ستانده می‌شد (Platt & Gibson, 2018, p.260) تا سهم ارزنده پزشکان نصرانی در نظام سلامت اجتماع مسلمانان (زیکاس، ۱۳۷۱: ۷۹)، همگی از دردهایی حکایت می‌کردند که هر روزه نقل مجالس کوچه و بازار بود؛ اما امام رضا علیه السلام در گفت‌وگوهای رسمی خویش با علمای ادیان از طرح مسائلی که در تیرگی‌های تاریخی قرار دارد، خودداری کرده، به سوی اموری پیش رفتند که مستندات آن‌ها روشن بود. برداشت نگارنده از این منش حضرت این است که ایشان بدین شیوه، در واقع نادرست بودن رفتارهای برخی مسلمانان درباره دیگر ادیان را هم متذکر شده، به مسائل کلان و عینیت‌های موجود پرداختند.

۱۶. ورود نکردن به مسائل شخصی افراد

زندگانی بعضی شخصیت‌های بزرگ معمولاً با تاریک و روشن‌هایی همراه است که جامعه را به حاشیه‌پردازی درباره ایشان وا می‌دارد. برخی از شخصیت‌های طرف مناظرات حضرت نیز چنین بودند و حواشی آن‌ها را بسیاری می‌دانستند؛ برای نمونه، جاثلیق تیموتی برای اینکه به این سمت دست یابد، طبق روال کلیسا در انتخابات پاتریاک‌های برتر نسطوری نامزد گردید. در این میان، عده‌ای به توماس (اسقف کشر^۱) یا افرائیم (متروپولتین جندی شاپور) تمایل داشتند و برخی هم به تیموتی مایل بودند (Thomas of

۱. شهری در کرانه دجله در واسط عراق.

384 p. (Margā, 1893). گزارش‌های مختلف از این انتخابات حاکی از آن است که تیموتی تخلف کرد و با تطمیع و فریب، آراء رؤسای مدارس دینی نسطوری را به نفع خود تغییر داد. برخی از رقبای او که به نتیجه انتخابات اعتراض داشتند، شکایت به دربار مهدی عباسی بردند؛ اما نتوانستند او را به ابطال آراء متقاعد سازند. از آن جمله، یوسف اهل مرو، به عنوان متروپولیتن مرو، بعد از این ماجرا از مقام خود کناره گرفت و گویا مسلمان شد (Mar Aprem, 1976: p.106; Thomas of Margā, 1893, p. 385). این غائله سرانجام با میانجی‌گری عیسی بن قریش، پزشک دربار عباسی پایان یافت و به هر روی، تیموتی در هفتم می سال ۷۸۰ م با لقب «تیموتی اول» و به عنوان چهل و هفتمین نفر از سلسله پاتریاک‌ها و جاثلیق‌های کلیسای نسطوری بر تخت صدارت نشست (بروک، ۱۳۹۹: ۷۰). نکته قابل توجه اینجاست که با وجود چنین ابهاماتی درباره شخصیت جاثلیق، امام رضا علیه السلام هیچ‌گاه به صلاحیت و صداقت افراد پرداختند و روال بحث را تنها بر مدار خواسته‌های آنان قرار دادند.

۱۷. به رخ نکشیدن ناآگاهی‌ها و ضعف‌های فرد مقابل

امام رضا علیه السلام تا پیش از رسیدن به مرو، دست‌کم دو بار دیگر با جاثلیق تیموتی مناظره و او را مغلوب کرده بودند؛ اما در آغاز مجلس مرو این را متذکر نشدند تا هم آبروی وی محفوظ بماند و هم فرصتی دیگر بیابد تا از باورهای خود دفاع کند. البته جاثلیق به مجالس قبلی اشاره نکرد و به این جهت، حق حضرت را ضایع نمود.

۱۸. استناد نکردن به آنچه اهل کتاب بدان باور ندارند

امام رضا علیه السلام به جز مناظره دوسویه با رأس الجالوت یهودی درباره آیات آغازین سوره الرحمن، در هیچ‌یک از مناظرات خود به قرآن استناد نکردند. این در حالی بود که چه پیش و چه پس از حضرت، بسیاری از دین‌شناسان مسلمان، همچون عبدالکریم شهرستانی (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۲/۲۶۵)، هنگام بازسازی مناظرات، مکرر از آیات قرآن برای پاسخ‌گویی به فرد مقابل استفاده می‌کردند؛ این در حالی است که اهل کتاب اصولاً قرآن را قبول

نداشتند. اگر با دیدگاه گفتمانی به مناظره مرو نظر کنیم، آشکار می‌شود که حضرت به آنچه تیموتی باور نداشتند، ارجاع نفرمودند و این یکی از مصادیق بارز در «حقوق مناظره» است؛ برای مثال، امام رضا علیه السلام به متونی همچون انجیل برنابا استناد نکردند. آن گونه که می‌دانیم، مسلمانان از دیرباز مدعی هستند انجیل برنابا تنها انجیل موجود شناخته شده است که به وسیله یکی از مریدان عیسی علیه السلام نگاشته شده و ویژگی مهم آن، پشتیبانی از دیدگاه اسلامی درباره مسیح است (Garsiel, 2011, p.1)؛ اما با پذیرش فرمایش حضرت در باب گم شدن انجیل اولیه، حتی سندیت برنابا هم محل تردید خواهد بود. شواهد تاریخی نیز بر این تردید دامن می‌زنند؛ زیرا قدیم‌ترین ارجاع به انجیل برنابا در سندی مربوط به سده ۵م آمده و کهن‌ترین نسخه موجود از آن به زبان ایتالیایی (و نه یونانی) و مربوط به سده ۱۵ یا ۱۶م است. نکته اینکه آباء اولیه کلیسا هم چه در مقام تأیید و چه تکذیب، اشاره‌ای به انجیل برنابا ندارند. ردیه نویسان مسلمان نیز تا قبل از تاریخ مذکور، به این انجیل استناد نکرده‌اند. این معضل، جدای از اشتباهات تاریخی فاحشی است که در متن این انجیل مشاهده می‌شود (Ibid., p. 2-3).

۱۹. اعتماد به گفتار شاهدانی از دین مقابل

امام رضا علیه السلام در ابتدای مناظره مرو با جاثلیق شرط کردند که اگر دو شاهد مسیحی به گفتار حضرت گواهی دهند، جاثلیق ملزم به پذیرش برهان حضرت باشد. جاثلیق این را پذیرفت و حضرت در ادامه مباحث ارزنده خویش، سه نفر از علمای بزرگ مسیحی را نام بردند که عبارت بودند از: یوحنا کبیر اهل آج (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۵۸/۱)، یوحنا اهل قرقیسیا و یوحنا دیلمی اهل زجان.^۱ آشکار است که هر سه یوحنا خاستگاهی در مسیحیت شرقی دارند و حضرت نام آن‌ها را بسیار سنجیده برگزیدند تا تعالیم ایشان برای

۱. این واژه در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام (ج ۱، ص ۱۵۸) به صورت «رجاز» به عنوان یک وادی در نجد عظیم، در کتاب الاحتجاج (ج ۲، ص ۴۱۸) به صورت «زخار» و در کتاب بحار الانوار (ج ۱۰، ص ۳۰۳) به صورت «زجار» ضبط شده است.

تیموتی آشنا و البته حجت باشد.

اگر بپذیریم که حضرت اسامی این سه را به ترتیب تاریخی عنوان فرمودند، به نظر می‌رسد که منظور از یوحنا کبیر، همان کسی باشد که انجیل چهارم منسوب به اوست. جستجوهای نگارنده برای یافتن دیگر شخصیت‌های برجسته تاریخ کلیسای شرقی که به نام یوحنا مشهور بودند، بدین جا رسید که در فهرست پاتریاک‌ها تا قبل از تیموتی، نام دو یوحنا دیده می‌شود. نخست یوحنا اول مشهور به برمارتا (Bar Martha Youkhanna i) که در دوران زعامت او حدود ۶۸۰ تا ۶۹۲ م (با اختلاف) بوده و دیگری یوحنا دوم، مشهور به اجرب (Youkhanna ii (Garba) که از حدود ۶۹۲ تا ۶۹۵ م پاتریاک بوده است (Benjamin, 2005, p. 50).

۲۰. دفاع از باورهای درست یک دین (غیر از اسلام) در برابر دین دیگر

شیوه امام رضا علیه السلام در مناظره مرو بر این بود که حاضران را بر فرمایش خودشان گواه می‌گرفتند. در این راستا، با وجود پایان مناظره حضرت با جاثلیق، باز هم ایشان در هنگام مباحثه با رأس الجالوت یهودی، از تیموتی نظر خواستند و او را به عنوان شاهد برگرفتند. البته در اینجا نیز مواضع جاثلیق بسیار ضد و نقیض است؛ زیرا به رغم اینکه امام رضا علیه السلام را تأیید کرده، در جاهای دیگر، خلاف آن را عرضه داشته است. این در حالی است که حضرت از مسیحیت در برابر یهود دفاع کرده و رأس الجالوت یهودی را به نایده انگاشتن عیسی علیه السلام متهم می‌کند؛ برای نمونه، امام رضا علیه السلام بندی از سفر تثنیه (کتاب مقدس، سفر تثنیه، ۱۵: ۱۸) را به عنوان بشارت عهد عتیق بر نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مطرح نمودند. مضمون این بند ناظر بر آن است که پیامبری از میان برادران اسرائیل برانگیخته خواهد شد و امام رضا علیه السلام در پی آن، پرسیدند که آیا منظور از برادران اسرائیل، کسانی جز اسماعیلیان (=مسلمانان) هستند؟ این فرمایش حضرت به ظاهر در آن جلسه تأیید شد، در حالی که جاثلیق در متن مناظره خود با مهدی عباسی آن را تکذیب کرده است. او می‌نویسد که برادران اسرائیل فقط اسماعیلیان نیستند و ایشان برادرانی غیر از عرب (همچون ادومیان) نیز داشته‌اند، از این رو این بند ربطی به محمد صلی الله علیه و آله و سلم ندارد (کتاب مقدس، دوم سموئیل،

۷:۱۲؛ اول قرن‌تین، ۱۱:۱۷). تیموتی اگر این پاسخ را در حضور امام رضا علیه السلام ابراز می‌داشت، قطعاً با پرسش‌هایی جدی‌تر روبه‌رو می‌شد که تناقضاتی جدید را در منظومه فکری او آشکار می‌کرد؛ برای نمونه، جای این پرسش از جاثلیق وجود داشت که آیا در تورات برادری غیر از اسماعیل برای اسحاق (نیای بنی اسرائیل) ذکر شده است؟ دیگر اینکه کدام نبی از میان ادومیان برخاست که این بشارت سفر تثنیه، دلالت بر او داشته باشد؟ پاسخ این پرسش‌ها روشن است و نشان می‌دهد که جاثلیق از دانش اندک مهدی عباسی در زمینه کتاب مقدس، سوءاستفاده کرده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بسا مسلمانانی که روزی از جور کافران مکه به دامان مسیحیان حبشه گریخته بودند، اما چند دهه بعد در برابر حکم خلیفه دوم مبنی بر اخراج تمامی مسیحیان از شبه جزیره سکوت کردند. بسا مسلمانانی که قالب نظام اداری خلافت اسلامی را از ساسانیان زردشتی برگرفتند؛ اما منکر این بودند که زردشتیان اهل کتاب هستند. این‌ها همه از سر دور افتادن از پیوندگاه قرآن و عترت بود و پیامدهای تصمیماتی که بر این مبنا گرفته شد هنوز بر سر ارتباطات مسلمانان با پیروان دیگر ادیان سایه افکنده است؛ اما در این تیرگی، بارقه‌هایی از رویکردهای انسانی نیز به چشم می‌خورد که از مشکات آل محمد علیهم السلام برآمده است. به ویژه، امام رضا علیه السلام که به حق باید ایشان را امام گفت‌وگو با علمای ادیان خطاب کرد، طرحی دیگر در انداختند و با گشودن باب «مجادله احسن»، الگوهای ماندگار را برای آیندگان برجای نهادند. ویژگی بنیادین الگوهای مذکور را باید در تأمین «حقوق متقابل» نظاره کرد که تاکنون بیشتر گفت‌وگوهای بین‌الادیان از فقدان آن رنج برده است.

گرچه مصادیقی فراوان از تعریف و تحقق «حقوق متقابل» در سیره حضرت وجود دارد، مقاله حاضر بیست مورد از الگوهای امام رضا علیه السلام را فهرست کرده که به ویژه در مقوله «گفت‌وگو با علمای ادیان» بروز نموده است. فراهم کردن امکان گفت‌وگو برای علمای ادیان بالاترین مراجع مسلمان، واداشتن مراجع علمی و سیاسی جامعه اسلامی به پاسخ‌گویی در برابر مخالفان، ایجاد فضایی باز برای ابراز عقیده و پذیرش شروط افراد مقابل، دعوت از

علمای ادیان برای گفت‌وگو و احترام به جایگاه اجتماعی ایشان، پایبندی به منطق عقلانی گفت‌وگو و پرهیز از جدل، استفاده از زبان فرد مقابل برای گفت‌وگو و استناد به شواهد موجود، توجه به مباحث همسان میان اسلام و دیگر ادیان و دوری از بحث‌های خصومت‌زا، پرهیز از ورود به حریم شخصی افراد و انگشت ننهاده بر ضعف‌های فرد مقابل، و بسیاری از مصادیق دیگر، همگی از شاخصه‌های اخلاق گفت‌وگوهای رضوی هستند.

بی‌گمان یکی از شاخصه‌های کرامت انسانی، پاسداشت حقوق انسان است و امام رضا علیه السلام با رویکرد خاص خویش در گفت‌وگو، به راستی کرامت علمای ادیان را نگاه داشتند. نمود این امر را می‌توان در واکنش رأس الجالوت یهودی یا عمران صابی ملاحظه نمود که در دو مجلس مختلف و بعد از مشاهده براهین استوار و اخلاق پسندیده حضرت، اسلام اختیار کردند، درحالی که حضرت در تمامی مناظرات خویش، هرگز کسی را به پذیرش اسلام وادار نفرمودند. از این رو بایسته است که به این اعتبار، گفت‌وگوهای حضرت را «گفت‌وگوهای کرامت محور» بنامیم.

بی‌تردید بخشی از چالش‌های موجود در گفت‌وگوهای علمای مسلمان با پیروان ادیان، برآیند روی برتافتن از الگوهایی است که امام رضا علیه السلام به ما ارزانی داشتند. این الگوها در کشورهای اسلامی چندان خریداری ندارند؛ زیرا در آنجا مسلمانان در اکثریت هستند و چه بسا خواسته‌های خود را بر دیگران اعمال می‌کنند؛ اما اگر از زاویه مسلمانانی به این الگوها نظر کنیم که در کشورهای غیرمسلمان زیست می‌کنند، شاید ارزش الگوهای رضوی را بهتر دریابیم؛ جایی که همواره آرزو داریم دیگران با ما چنان رفتار کنند که دوست دارند با خود ایشان رفتار شود. اما باز هم عرصه برای تحقیقی جدید گشوده است که اگر امام رضا علیه السلام با رعایت حقوق گفت‌وگو، از کرامت دیگران پاسداری کردند، دیگران تا چه اندازه حقوق گفت‌وگو با حضرت را حفظ نمودند و کرامت ایشان را پاس داشتند؟

- افزون بر قرآن کریم و کتاب مقدس
۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، التوحید، به کوشش هاشم حسینی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۹۸ق.
 ۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، به کوشش مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
 ۳. ابن حمزه طوسی، محمد، الثاقب فی المناقب، تصحیح نبیل رضا علوان، نشر انصاریان، قم، ۱۴۱۹ق.
 ۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مکتبه الحیدریه، نجف اشرف، بی تا.
 ۵. اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میراحمدی، نشر علمی و فرهنگی، تهران، بی تا.
 ۶. بروک، سباستین، کتاب مقدس در سنت سریانی (سطح متوسط)، ۱۳۹۹ش
(www.irancatholic.com).
 ۷. تبریزی، محمد حسین بن خلف، برهان قاطع، به کوشش محمد معین، کتاب فروشی ابن سینا، تهران، ۱۳۴۲ش.
 ۸. جفری، آرتور، «ابوقزه»، دانشنامه ایران و اسلام، سرویراستار: احسان یارشاطر، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۲۵۳۷ش.
 ۹. خطیب بغدادی، حافظ ابی بکر، تاریخ مدینه السلام (تاریخ بغداد)، تحقیق بشار عواد معروف، دارالغرب الاسلامی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
 ۱۰. خلیل الیسوعی، سمیر، «تیودورس ابوقزه»، مجمع اللغة سریانیة، شماره ۱، ۱۹۸۳م.
 ۱۱. دینکرد سوم، ترجمه فریدون فضیلت، انتشارات فرهنگ دهخدا، تهران، ۱۳۸۱ش.
 ۱۲. راوندی، سعید بن هبة الله (قطب)، الخزانج و الجرائح، مؤسسة المهدی رحمة الله علیه، قم، بی تا.
 ۱۳. زیکاس، گریگوریوس، «سهم مسیحیت شرق در انتقال متون یونانی به فرهنگ اسلامی»، نامه فرهنگ، شماره ۸، ۱۳۷۱ش.
 ۱۴. شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق محمد بدران، نشر رضی، قم، ۱۳۶۴ش.
 ۱۵. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، به کوشش محمد باقر خراسان، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
 ۱۶. عرفان منش، جلیل، جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۸۷ش.
 ۱۷. کمپانی، فضل الله، حضرت رضا علیه السلام، نشر مفید، تهران، ۱۳۸۶ش.
 ۱۸. گریفیت، سیدنی، «تاریخچه مجادلات روحانیان مسیحی سریانی با مسلمانان»، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۳، ۱۳۸۷ش، ص ۶۵-۷۵.

۱۹. مجادله ابي قزّة مع المتكلمين المسلمين في مجلس الخليفة المأمون، تقديم و تحقيق: اغناطيوس ديك، بي نا، حلب، ۲۰۰۷م.
۲۰. نجاشي، ابوالعباس، رجال، تحقيق سيدموسى شبيري زنجاني، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۸ق.

21. Baagil, H. M., 1984, *Muslim-Christian Dialogue*, WAMY studies on Islam.
22. Benjamin, D. D., 2005, *The Patriarchs of the church of the East*, Trans. Youel: A. Baaba, United State of America,
23. Ben Sasson, H. H., 2007, "Disputations and Polemics", *Encyclopedia Judaica*, ed. Fred Skolni, Keter Pub., Jerusalem.
24. Bertaina, D., 2007, "The development of Testimony collections in Early Christian Apologetics with Islam", *The Bible in Arab Christianity*, ed. D. Thomas, Brill, Boston.
25. "Omar, Covenant of", 2007, *Encyclopedia Judaica*, v. 15, ed. Fred Skolnik, Keter Pub., Jerusalem.
26. Duri, A. A., "Dayr AL-Djathalik", *EI*₂. v. 2, Brill, Leiden.
27. Ben Sasson, H. H., 2007, "Disputations and Polemics", *Encyclopedia Judaica*, ed. Fred Skolnik, Keter Pub., Jerusalem.
28. Ben Sasson, H. H., 1976, "The Middle ages", *A History of the Jewish People*, Harvard University Press.
29. Garsiel, B., 2011, "The Qur'an Deception of Abraham in the Light of Hebrew Bible and Midrash", *The Convergence of Judaism and Islam: Religious, Scientific, and Cultural Dimensions*, University Press of Florida.
30. Griffith, H., 2011, "Disputes with Muslims in Syriac Christian Texts from Patriarch John (d. 648) to Bar Hebraeus (d. 1286)", *Doctrine and Debates in the East Christian World*, Rutledge, London.
31. *Gorgias Encyclopedic Dictionary of the Syriac Heritage*: Electronic Edition, "List of Patriarchs."
32. Mingan, A., 1928, *The apology of Timothy the patriarch before the Caliph Mahdi*, Wood Brooke Studies, Cambridge.
33. Neusner, J., 1968, *History of the Jews in Babylonia*, Brill Pub. Leiden.
34. Platt, A, & Gibson, N., 2018, "Inquiring of Beelzebub; Timothy and AL-Jahiz on Christian in Abbasid Legal system", in *Heirs of the Apostles*, ed. D. Bertaina, Brill, leiden.
35. Samir. K. S., 2001, "The Prophet Muhammad as seen by Timothy I and Other Arab Christian Authors", *Syrian Christians under Islam*, ed. D. Thomas, Brill, Leiden.
36. Sherbok, D., 2003, *Judaism, History, Belief and Practice*, Rutledge, London.
37. Swanson, M. N., 2003, "The Christian Al-Ma'mun Tradition", *Christians at the Heart of Islamic Rule*, ed. D. Thomas, Brill, Leiden.
38. Thomas of Margā, 1893, *The Book of Governors*, ed. E.A. Willis Budbe, v.2, keganpaul, Trench, Trubner & co., London.
39. Mar Aprem, 1976, *the Nestorian Fathers*, Trichur, Kerala.
40. Vine, A. R., 1937, *the Nestorian Churches*, Independent Press, London.